

گروه هفت در پی تغییر ماهیت پرونده ایران غرب به دنبال اجماع جهانی

نشست اخیر گروه هفت بار دیگر پرونده هسته‌ای ایران را در مرکز مواضع سیاسی غرب قرار داد. اکوایران نوشت؛ وزیران خارجه این هفت کشور از ایران خواستند مطابق قطعنامه‌های شورای امنیت و معاهده NPT، همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سر گیرد و زمینه بازرسی از تمام فعالیت‌های هسته‌ای را فراهم کند. آنها همچنین خواستار گفت‌وگوی مستقیم ایران و آمریکا شدند. این بیانیه که بر اجرای مکانیسم ماشه نیز تأکید دارد، در ادامه مواضع سیاسی غرب، ایران را در پرونده جنگ اوکراین و همکاری نظامی با روسیه متهم کرده و نقش چین را نیز در ارسال تجهیزات به مسکو مورد انتقاد قرار می‌دهد. تحولات اخیر نشان می‌دهد که غرب در مسیر افزایش فشار پیش می‌رود و آینده پرونده هسته‌ای ایران بیش از هر زمان دیگری به تصمیمات سیاسی پایتخت‌های قدرتمند وابسته است.

غرب و پرونده ایران

رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس در تحلیل خود از بیانیه اخیر گروه هفت و تأثیر آن بر روند بررسی پرونده هسته‌ای ایران، تأکید کرد که تروئیکای اروپایی و ایالات متحد، در حال پیگیری دستورکار شکل گرفته در نشست گروه ۷ برای جلسه آینده شورای حکام هستند. حشمت... فلاح پیشه گفت: در گروه هفت تصمیم گرفته شد که پرونده ایران در قالبی سیاسی و تحت فشار پیش برده شود و در نتیجه، تمامی مباحث مطرح شده در قالب سازوکاری طراحی شد تا پرونده ایران از مسیر حقوقی خارج و وارد مسیر سیاسی شود. این کارشناس مسائل بین‌الملل افزود: هرچند در نشست پیش رو احتمالاً امکان ارجاع مستقیم پرونده ایران به شورای امنیت فراهم نشود، اما طرف‌های غربی تلاش خواهند کرد قطعنامه‌ای تهیه کنند که عمل‌آی‌ران را تهدید کند تحت ماده ۴۲ فصل هفتم منشور ملل متحد قرار گیرد. وی یادآور شد که پیش از برجام، پرونده ایران ذیل ماده ۴۱ همین فصل قرار داشت؛ ماده‌ای که شامل ۱۵ بند تحریمی است. اما پس از آنکه غرب به صورت خلاف مقررات برجام و حتی قطعنامه ۲۲۳۱، مکانیسم ماشه را اجرا کرد، ایران ادامه موافقت‌نامه قاهره با آژانس را نپذیرفت. به گفته این کارشناس مسائل بین‌الملل، با انتقضای مهلت قطعنامه ۲۲۳۱، روابط ایران و آژانس اکنون مشابه روابط عادی این نهاد با دیگر کشورهای عضو است؛ یعنی آژانس تنها در چارچوب «بازمان نظارتی» و براساس اظهارنامه‌های ایران عمل می‌کند و بازرسی‌ها نیز با هماهنگی کامل سازمان انرژی اتمی انجام می‌شود. فلاح پیشه کاوش سطح دسترسی آژانس را بی سابقه در ۱۵ سال اخیر و حتی دوده گذشته توصیف کرد و گفت همین امر برای آژانس و نیز برای بازیگرانی مانند آمریکا به عنوان «نوعی تهدید» تلقی می‌شود؛ از همین رو تلاش دارند موضوع را کاملاً سیاسی کنند. او توضیح داد؛ سیاسی کردن موضوع یعنی اینکه شورای حکام اعلام کند امکان رسیدن به یک پادمان جدید با ایران وجود ندارد و پرونده باید به شورای امنیت ارسال شود. اما چون پیش تر پرونده ایران ذیل ماده ۴۱ بوده، اکنون تلاش می‌کنند تهدید یاد ۴۲ را پیگیری کنند. فلاح پیشه تأکید کرد که پرونده هسته‌ای ایران امروز به طور کامل با سایر موضوعات بین‌المللی گره خورده است. رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی بهارستان اشاره کرد: در بیانیه گروه هفت حتی سیاست‌های ایران درباره اوکراین و مسائل منطقه‌ای نیز مطرح می‌شود. او افزود در چنین شرایطی باید دید چه نوع دسته‌بندی‌های سیاسی در عرصه بین‌المللی شکل خواهد گرفت. وی با اشاره به نقش روسیه و چین، گفت: اگر قرار باشد این دو کشور همان سیاست‌های سال ۲۰۰۶ را تکرار کنند، طبیعی است که در نهایت ایران را به کاری در بازی‌های خود تبدیل خواهند کرد. فلاح پیشه یادآور شد که ایران حتی در بیابیه گروه هفت به دلیل «گرفتن جانب روسیه در موضوع اوکراین» مورد انتقاد قرار گرفته است. نماینده ادوار مجلس بیان کرد: در چنین شرایطی تنها انتظاری که ایران می‌تواند از چین و روسیه داشته باشد، حمایت راهبردی است؛ حمایتی که باید از سطح شورای حکام آغاز شود. وی تأکید کرد: اگر نگاه چین و روسیه به روابط با ایران راهبردی باشد، نباید اجازه دهند پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع شود. ارجاع پرونده به شورای امنیت یعنی اینکه حتی شرکای شرقی نیز حمایت راهبردی از ایران نکرده‌اند و این نشان می‌دهد آنها نیز صرفاً در حال بازی کردن در سطح کلان با آمریکا هستند. به گفته فلاح پیشه، این موضوعی است که ایران باید به طور جدی در تعاملات شرقی خود دنبال کند.

خبر

محمد مرندی؛

اسرائیل با ادامه نسل‌کشی در غزه بزرگ‌ترین اشتباه راهبردی تاریخش را رقم زد

یک تحلیلگر ارشد سیاسی در کنفرانس بین‌المللی «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم، تجاوز و دفاع» اظهار کرد: آمریکا را می‌توان به قیل و بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تقسیم کرد. باید تمایزی بین آمریکای زمان جنگ، بعد از جنگ سرد، قیل از ۱۱ سپتامبر و بعد از ۱۱ سپتامبر ایجاد کنیم. سید محمد مرندی با اشاره به ابرقدرت شدن آمریک پس از فروپاشی شوروی ادامه داد: در زمان فروپاشی شوروی آمریکا تبدیل به ابرقدرت و فزاینر آن شد. بعد از آن، تجاوز صدام حسین به کویت را داشتیم. اما چرامی گویم این شکست نیروهای صدام فاجعه‌بار بود؟ به این دلیل که تغییرات زیادی در آمریکا ایجاد شد. این تحلیلگر ارشد سیاسی و کارشناس امور راهبردی، با بیان اینکه بعد از ۱۱ سپتامبر ایالات متحده جایگاه جدیدی پیدا کرد، گفت: مستندهای پخش شده درباره ۱۱ سپتامبر نشان می‌دهد این اتفاقاتی در آن روزها وقیل و قیل از حادثه ۱۱ سپتامبر افتاده است. در هر صورت، ایالات متحده بعد از آن اتفاق تهاجمی تر شده است. چندین سال بعد از آن، اتفاقاتی در غزه و ۱۷ اکتبر رخ می‌دهد. مرندی توضیح داد: اسرائیل فکر می‌کرد در غزه می‌تواند حماس را از بین ببرد، اما این امر رخ داد. اسرائیل در این امر محاسبه غلط داشت و این تغییرات سریع فقط برای اسرائیل نبود. این تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی خاطرنشان کرد: وقتی جنگ در غزه طولانی شد، شبیه جنگ آمریکا و ویتنام شد. ابتدا آمریکایی‌ها موافق جنگ ویتنام بودند اما وقتی کم کم طولانی شد، مخالف آن شدند. اگر نسل‌کشی دو سه ماه طولانی می‌شد، آنها می‌بردند. این اشتباه فاجعه‌آمیز است که اسرائیل انجام داد.

زهرانژاد بهرام در گفت وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

برنامه‌ریزی‌های کشور

نیازمند بازنگری جدی



نسبت به شکل گیری بحران هایی توج ه بودیم

آب های زیر زمینی تهران به پایان رسیده است

همه سفره های زیر زمینی تهران را مصرف کرده ایم

آرمان ملی- احسان انصاری: «به نظر می‌رسد همه برنامه‌ریزی‌های موجود در کشور نیاز به بازنگری جدی دارد. ما باید ببیزیریم که نسبت به بحران‌های کشور بی‌توجه بوده‌ایم و به رغم اینکه کارشناسان در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هشدارهای لازم را داده‌اند اما کسی به این هشدارها توجه نکرده است. تا زمانی که بحران‌ها خود را به صورت جدی نشان نداده‌اند مدیران جامعه به فکر حل آنها نیستند. من امیدوارم مدیران جامعه با برنامه‌ریزی و نگاه بلندمدت نسبت با چالش‌های کشور برخورد کنند و در این زمینه از دیدگاه تخصصی و علمی بهره ببرند.»
جملات ذکر شده اظهارات دکتر زهرا نژادبهرام فعال سیاسی و عضو

چرا کشور با بحران بی‌آبی مواجه شده است؟

بسیاری از بحران‌هایی که امروز در کشور وجود دارد از مدت‌ها قبل توسط کارشناسان نسبت به وقوع آن هشدار داده شده بود. با این وجود اسمال بحران آب شکل جدی به خود گرفته و به خصوص با فقدان بارش در دو ماه ابتدایی پاییز تشدید شده است. امروز بسیاری از سد‌های کشور با مشکل مواجه هستند و در برخی مواقع ما به آب‌های مرده نیز نزدیک شده‌ایم. کار به جایی رسیده که در برخی مناطق شهری مانند تهران تقریباً همه آب‌های زیرزمینی را مصرف کرده‌ایم و در این زمینه با چالش جدی مواجه هستیم. واقعیت این است که بحران امروز برای ما جدی است و مادر شرایطی قرار گرفته‌ایم که شاید تاکنون سابقه نداشته است. در ماه‌های اخیر تلاش برای انتقال آب طاقان به تهران آغاز شده و من حتی شنیده‌ام که انتقال آب به دشت قزوین نیز در حال انجام است. اینکه ما بحرانی به این بزرگی را به گردن شیوه مصرف مردم بینداریم و عنوان کنیم که به دلیل استفاده از شیوه‌های نادرست مصرف با این وضعیت مواجه شده‌ایم، فرافکتی است و واقعیت ندارد. از سوی دیگر اظهاراتی مانند اینکه اگر این روند ادامه داشته باشد باید تهران را تخلیه کنیم نیز به همین صورت است و راه حل مشکل نیست. من فکر می‌کنم مسأله جدی‌تر از این است و نمی‌توان به راحتی ۱۲ میلیون شهروند تهرانی را از پایتخت به نقطه دیگری جابه جاکرد.

در شرایط کنونی بجز تهران بقیه مناطق کشور نیز با همین وضعیت مواجه هستند. اگر سخنان رئیس‌جمهور مبنی بر تخلیه تهران را مبنای قرار بدیم مردم تهران قرار است به کجا منتقل شوند؟

بحران آب یک مسأله ملی است و امروز همه مردم با آن مواجه هستند. آنچه اهمیت دارد توجه به دیدگاه کارشناسان و متخصصان است. متأسفانه بی‌توجهی به تغییرات اقلیمی، بی‌توجهی به موقعیت جغرافیایی کشور که در منطقه گرم و خشک قرار دارد، بی‌توجهی به مهاجرت بی‌برنامه به شهرهای بزرگ مانند تهران که همچنان ادامه دارد، بی‌توجهی به نوع مصرف آب در کشاورزی که همچنان از روش‌های سنتی استفاده می‌شود، از جمله دلایل مهم وقوع بحران آب در کشور است. همه این مسائل نشان می‌دهد که ما از گذشته درس نگرفته‌ایم. نسل‌های گذشته به دلیل اینکه به این نکته آگاهی داشتند که ایران در منطقه گرم و خشک قرار دارد از سرمایه‌های آبی محافظت می‌کردند و راهکارهای متعددی را برای عدم تبخیرآب مورد استفاده قرار می‌دادند. ایجاد قنات یکی از ابتکارات مردم ایران بوده که نشان می‌دهد در گذشته مردم برای اینکه آب تبخیر نشود از روش‌هایی مختلفی استفاده



سابق شورای شهر تهران در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. نژادبهرام در این گفت‌وگو با اشاره به دلایل بحران آب در کشور معتقد است: «اینکه ما بحرانی به این بزرگی را به گردن شیوه مصرف مردم بینداریم و عنوان کنیم که به دلیل استفاده از شیوه‌های نادرست مصرف با این وضعیت مواج ه شده‌ایم به نوعی فرافکتی است و واقعیت ندارد. از سوی دیگر اظهاراتی مانند اینکه اگر این روند ادامه داشته باشد باید تهران را تخلیه کنیم نیز به همین صورت است و راه حل مشکل نیست. من فکر می‌کنم مسأله جدی‌تر از این است و نمی‌توان به راحتی ۱۲ میلیون شهروند تهرانی را از پایتخت به نقطه دیگری جابه جاکرد.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

بی‌توجهی به مهاجرت بی‌برنامه به شهرهای بزرگ مانند تهران که همچنان ادامه دارد، بی‌توجهی به مصرف آب در کشاورزی که از روش‌های سنتی استفاده می‌شود، از جمله دلایل مهم وقوع بحران آب در کشور است

می‌کرده‌اند. در شرایط کنونی نیز مردم دعاگو هستند که خداوند باران رحمتش را بر ملت ایران ارزانی کند اما این موضوع به معنای این نیست که ما از شیوه صحیح مصرف و نگهداری آب بی‌توجهی نکنیم. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد نحوه مدیریت آب است که از اهمیت زیادی برخوردار است.

به چه میزان نحوه مدیریت آب را در شکل‌گیری این بحران موثر می‌دانید؟

به هر حال سوء مدیریت در این زمینه مشهود است، اما هنوز هم دیر نشده است. اگر چه ما نسبت به تغییرات اقلیمی که همه کشورهای جهان آن را بررسی و برای آن راهکار پیدا کرده‌اند بی‌توجه بوده‌ایم اما هنوز هم می‌توان بحران را مدیریت کرد. واقعیت این است که ما تا زمانی که به صورت جدی با مسأله و مشکلی مواجه نشویم دنبال راه حل آن نخواهیم بود. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته شرایط به این صورت نیست و در آنجا به محض وقوع هشدارها نسبت به برطرف کردن مشکل اقدامات لازم را انجام می‌دهند تا در آینده به بحران تبدیل نشود. در دهه‌های گذشته ما در زمینه سیاست‌گذاری‌ها و اجرا نسبت به بحران‌هایی که ممکن

برخی تصمیم‌های گرفته شده جای تأمل و بحث دارد. به عنوان مثال اینکه در یک منطقه گرم و خشک که آب ندارد کارخانه فولاد ایجاد شده که نیاز به آب بسیار دارد، از جمله تصمیماتی است که سوال برانگیز است

حسن رسولی:

به پیشنهادات خاتمی عمل شده بود، این قدر خسارت متحمل نمی شدیم

بهبود خواهانه مورد نظر خود را تحقق بخشد. اما شرایط امروز کشور در ابعاد مختلف، از حیث منابع و ظرفیت‌ها و همچنین تهدیدها به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه. کوچک‌ترین شباهتی به آن سال‌های آغازین ندارد. البته از برخی جهات شاید به هم نزدیک باشد؛ اگر خاطرتان باشد در سال ۷۶ هم وزرای کشورهای اروپایی از ایران فراخوانده شده بودند و حرکتی که در دوم خرداد صورت گرفت و رهبری به درستی نام «حماسه» بر آن نهادند، در حقیقت متفاوت بود در حوزه سیاست داخلی که بسیاری از تهدیدها را برطرف کرد. وی تأکید کرد: اما در شرایط فعلی، ما به لحاظ اقتصادی نا کامی‌های هفتگنی داریم و از حیث دسترسی به امکانات، امروز در مسیر حرج بسیار جدی‌تری نسبت به آن زمان قرار داریم. بنابراین، متأثر از تغییراتی که شرایط و زمانه پیدا کرده، طبعاً سیاست‌ورزی اصلاح طلبانه امروز در وهله اول باید معطوف باشد به دو اصل: جلوگیری از تحمیل جنگ مجددی بر ایران و کمک به ارکان نظام برای کاستن از فشارهای اقتصادی و معیشتی که متوجه کشور است و این همه نارضایتی که با آن مواجه هستیم.

یادداشت

پوست اندازی سیاسی آمریکا



سید محمد کاظم سجاد پور

تحلیلگر مسائل بین الملل

پیروزی زهران ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک، بی‌تردید طوفان و زلزله‌ای سیاسی در آمریکا است، اینکه جوانی مهاجرزاده، سی و چهارساله، رنگین پوست، مسلمان شیعه، با ریشه‌های خانوادگی هندی، متولد تانزانیا و با سابقه زندگی در آفریقا، با شعارهای مردم‌گرایانه، به رغم همه چالش‌ها توانست در انتخابات پیروز شود، معمایی سیاسی و درخور توجه می‌باشد. مخصوصاً اگر در نظر بگیریم که او رقبای سرسختی داشت که مورد حمایت کاخ سفید و تروتمندان بزرگ نیویورک بودند. مواضع ممدانی، نه فقط در بحران دردناک غزه، بلکه در دوران دانشجویی، پوسته طرقداری از مردم فلسطین بوده است. او در شهری، شهردار شده که به لحاظ تعداد، کمیت و کیفیت شهروندان یهودی، تل آویو دوم شناخته می‌شود. این داده‌ها، لزوم طرح و پاسخ‌گویی این پرسش را فراهم می‌آورد و آن اینکه معمای پیروزی ممدانی را چگونه می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در پاسخ باید سه پدیده سیاسی را مدنظر قرار داد: «بویایی سیاسی»، «ماهیت دگرگون شده کنش‌گری سیاسی» و «سرانجام پیشران‌های سیاسی». برآمدن ممدانی، محصول بویایی سیاسی است. سیاست، از بویاترین و شاید بویاترین پدیده اجتماعی می‌باشد. برخلاف برخی از پندارها، سیاست سرنوشت‌مختومی ندارد و کیفیت نهایی سیاست در رفت‌وآمد بین ساختارهای سیاسی، تمایلات و گرایش‌های فکری و البته عامل انسانی تعیین می‌شود. ساختارهای سیاسی در آمریکا، پیچیده و در عین حال قابل تشخیص است. آمریکا دارای سیستمی فدرال بوده و لذا با ساختارهای متمرکز سیاسی و تک‌مکزی متفاوت می‌باشد. در این ساختار فدرال، حتی در درون هر ایالت، شاهد عدم تمرکز بوده و واحدهای سیاسی درون ایالت‌ها نیز متفاوت و متنوع می‌باشند. نهاد شهرداری یکی از آنهاست که در بیش از چهار هزار شهر آمریکا، در پوشش‌های انتخاباتی، شهردار خود را مردم انتخاب می‌کنند. و البته در بین این همه شهر، چند شهر مهم‌ترین‌اند و نیویورک برجسته‌ترین آنها. همراه با ساختار اداری و حکمرانی، باید به ساختار اجتماعی و فرهنگی توجه داشت. آمریکا کشوری مهاجر بنیاد است. ساختار اجتماعی متأثر از مهاجران و میراث‌های مهاجرتی آنهاست. این بعد اجتماعی، بویایی خاصی به سیاست در آمریکا می‌دهد و امکان برآمدن مهاجران در مناصب مهم را فراهم می‌آورد. اما فراتر از مهاجرت، در ساختار اجتماعی آمریکا، تحول شگفت‌انگیزی رخ داده است که محصول پیوند تغییر نسل و تغییر در ارتباطات اجتماعی است. در واقع دو پدیده تغییر نسل‌ها و تغییر تکنولوژی است که بر این ممدانی را توضیح می‌دهد. این نسل، حساسیت‌ها و ادراکات متفاوتی با نسل‌های پیشین خود دارد. هرچند از درون ساختارهای حزبی، مثل ممدانی در داخل حزب دموکرات، بالا می‌آید، اما به جناحی از حزب دموکرات تعلق دارد که نه فقط سنتی نیست، بلکه تساوی طلب، عدالت‌گرا و پرتحرک است. شعارهای ممدانی، ساده، قابل فهم و عمدتاً حول محور از عهده برآمدن مخارج زندگی در نیویورک می‌چرخد، به تعبیر او، زندگی گران شده و باید به حالت قابل اداره درآید. در میان طرفداران او، در شهر بیش از ۸ میلیون نیویورک، شب‌ها با ناصد هزار کودک گرسنه می‌خوانند و آجاره‌ها بالا و خدمات حمل و نقل گران است. سادگی این پیام‌ها، با استفاده ما هرانه از شبکه‌های اجتماعی و حضور فعال و داوطلبانه نود هزار جوان در ستاد انتخاباتی، در پیروزی او سهم عده‌ای داشتند. آنچه ذکر شد، ماهیت دگرگون شده کنش‌گری سیاسی در آمریکا را روشن می‌کند. به‌طور کلی سیاست است و کنش‌گری، این گروه کنش‌گری خود را جدی‌تر گرفته است و البته در این کنش‌گری، متن سیاسی ایجاد شده توسط ترامپ و طرفداران او را باید مدنظر قرار داد. ترامپ و تیم او درصدد انحصاری کردن کنش‌گری و به وجود آوردن هژمونی دست‌خارایان افراطی بوده و هستند و این به نوبه خود به کنش‌گری طرف مقابل انجامید. بی‌جهت نیست که علاوه بر شهرداری نیویورک، دموکرات‌ها توانستند حکمرانی ایالتی دوایالت مهم ویرجینیا و نیوجرسی را کسب کنند. هرجا هژمونی و سلطه‌گرایی انحصاری است، به کنش‌گری ضد خود شکل می‌دهد. در این میان گفتنی است که تعداد قابل توجهی از یهودیان نیویورک به ممدانی رأی دادند. کنش‌گری یهودیان نیویورک هم متحول شده است. به رغم واکنش‌های تنیدی که جناح راست در مورد پیروزی ممدانی نشان داد، او کمونیست خوانده شد، یکی از اعضای جمهوری خواه کنگره به نام لندی گلس، خواهان لغو تابعیت ممدانی و عودت دادن او به تانزانیا شد. پیروزی او در انتخابات شهرداری نیویورک، پیشران سیاسی در آیدن نزدیک و دور آمریکا قلمداد می‌گردد. شایان ذکر می‌باشد که نیویورک، پیشران تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایالات متحده در قرن گذشته بوده است. آنچه است که در نیویورک اتفاق می‌افتد، در نیویورک می‌ماند. از جنبش‌های مدنی دهه‌های پیشین گرفته تا تحركات فرهنگی، نیویورک پیشران و شکل دهنده به تحولات در سایر نقاط آمریکا بوده است. بی‌تردید پرتوآک انتخاب شهرداری جوان با سابقه مهاجرتی چندلایه و گرایش‌های خاص اقتصادی و اجتماعی در سراسر آمریکا شنیده خواهد شد. این بدان معنی نیست که راه بی چالش و بدون دردسری فراروی ممدانی قرار دارد. چالش فراوان و پیچ‌ها متعددند، اما به نظر می‌رسد که به رغم هر چالش قابل تصور و غیرقابل تصور، نمی‌توان منکر این واقعیت شد که پوست اندازی سیاسی در آمریکا جدی و حرکت‌های سیاسی آونگی در مقابل جریان‌های راست غیرقابل انکارند.